



آسیب‌شناسی برحسب سه محور انجام می‌پذیرد: آسیب‌شناسی الگوی سنتی رابطه ناشر-مؤلف، آسیب‌شناسی الگوی ناشر-مؤلف، آسیب‌شناسی خود ناشری.

عدم رعایت حقوق یکسان برای مؤلفان از طرف ناشران: این معضل به صورت مشخص در الگوی رابطه سنتی ناشر و مؤلف رخ می‌دهد. قراردادهای نشر میان ناشر و مؤلف یکسان نبوده و چارچوب مشخصی ندارد. این چالش در عمده موارد در عقد قراردادهای مؤلفان تازه‌کار و ناشر وجود دارد. قراردادهای نشر به صورت معمول طوری تنظیم می‌شود که خسارات و ضررهای احتمالی متوجه مؤلف یا مترجم است. از دیگر ویژگی‌های این قراردادها، اخذ ضمانت‌های کافی از مؤلف در خصوص اثر چاپی است. (صفحه ۱۳) همان‌طور که مشاهده می‌شود در قراردادهای نشر عمده تمرکز بر این نکته است که ناشر متضرر نشود. البته ناشران از این نوع انعقاد قرارداد دفاع کرده و معتقدند وقتی هزینه‌های مالی و مادی چاپ یک اثر را پرداخت می‌کنند، امضای قراردادی با این مفاد امری طبیعی است. همچنین ایشان این نابرابری را نه در راستای منافع طلبی شخصی ناشران، بلکه ثمره ساختار و نظام حاکم بر بازار فروش و توزیع کتاب در کشور معرفی می‌نمایند. (صفحه ۱۳)

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ایران دو شیوه و روش برای پرداخت حق تألیف وجود دارد. حق تألیف مقطوع که در آن مؤلف و ناشر توافق کرده‌اند که حق تألیف به صورت یکجا برای یک یا چند چاپ پرداخت شده و این مبلغ از ابتدا مشخص و ثابت است. در اینجا مبلغ حق تألیف ارتباطی با میزان فروش کتاب ندارد. شیوه دیگر پرداخت حق تألیف به صورت درصدی از فروش کتاب است که به صورت عمده ۱۰ الی ۱۵ درصد از فروش کتاب را شامل شده و البته در مواردی نادر به ۲۰ درصد هم می‌رسد. (صفحه ۱۴)

معضل فقدان تخصص در الگوی مؤلف-ناشر: هرچند مورد مؤلفین به عرصه نشر و بر عهده گرفتن فرایند انتشار کتاب نکات مثبت و قابل قبولی را به‌ویژه در بحث صرفه جوی در منابع مالی و زمان به همراه دارد اما این رویکرد، حاوی نقاط ضعفی نیز می‌باشد. صنعت نشر یک تخصص محسوب می‌شود و مؤلفین به دلیل عدم آشنایی با این صنعت و مسائل کلیدی آن در برخی زمینه‌ها دچار مشکل می‌شوند. به‌طورکلی در این رویکرد دو ضعف اصلی وجود دارد. اول آنکه اصل تقسیم وظایف بر اساس تخصص‌های افراد دچار مشکل شده و مؤلف تلاش می‌کند تا در حوزه‌ای که به صورت معمول در تخصص وی نیست دخالت کند. دوم موضوع نیز به کیفیت انتشار آثار بازمی‌گردد، بدین معنی که وقتی هر مؤلفی با در اختیار داشتن منابع مالی بتواند خود وارد عرصه شود، در این صورت احتمال ورود آثار باکیفیت‌های پایین و فاقد استاندارد به بازار نیز بالا می‌رود.

عدم نظارت در الگوی خود ناشری: هرچند الگوی خود ناشری پیامدهای مثبت زیادی دارد اما در این الگو امکان نظارت مؤثر بر چاپ و نشر آثار تا حدود زیادی از دست می‌رود. (صفحه ۱۶)

این پژوهش توسط علی عقیقی برای دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ تهیه شده و متن کامل آن از پیوست زیر قابل دریافت است.